

نابترین رفاقت فوتبالی در قائمشهر

گفت و گویا با «عادل یاورزاده»، دوست و همراه همیشگی «محمد مسافری» هوادار محبوب و نابینای نساجی که از ۱۰ سال پیش در سرما و گرما و آوارا به ورزشگاه می‌برد و دیدن گرازش هایش در شبکه‌های اجتماعی پربازدید می‌شود

مجدد حسین زاده | روزنامه‌نگار

پرونده

۱۰ سال پیش، هوادار نابینای تیم نساجی قائمشهر هیچ‌گاه این تصور به ذهنش هم خطور نمی‌کرد که روزی بتواند تمام بازی‌های تیم محبوبش را از نزدیک و در ورزشگاه دنبال کند. «محمد مسافری» عاشق نساجی و فوتبال بود اما به خاطر نابینایی، امکان حضورش در ورزشگاه وجود نداشت و کسی هم نبود که مسئولیت بردنش به ورزشگاه خانگی این تیم قائمشهری بر عهده بگیرد. اما یک هم‌کلاسی، یک رفیق تمام‌عیار، یک نوجوان با معرفت وقتی این همه عشق و علاقه را دید، تصمیمی گرفت که تا امروز یک دهه پای آن ایستاده و تمجید بسیاری از افراد را به همراه داشته است. «عادل یاورزاده» دوست و همراه همیشگی «محمد مسافری» شد تا این هوادار پرشور اما نابینای نساجی بتواند رفتن به ورزشگاه و تشویق تیمش از نزدیک را تجربه کند. حالا هر زمان وار دور ورزشگاه وطنی بشوید، محمد و عادل را همیشه در کنار هم می‌بینید. در زمان حضور آن‌ها در ورزشگاه، عادل همیشه بازی‌ها را با هیجان و تعصبی خاص برای او گزارش می‌کند. به تازگی هم، ویدیویی از شادی «محمد» پس از گل برتری این تیم مقابل تراکتور که «عادل» آن را برایش گزارش می‌کند، در شبکه‌های اجتماعی پربازدید شده است. در پرونده امروز زندگی‌سلام با «عادل یاورزاده» درباره ماجرای رفاقت ناب‌فوتبالی‌اش با «محمد» گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه خواهید خواند.



فریاد بی‌امان محمد مسافری هوادار روشندل نساجی پس از به ثمر رسیدن گل

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

یک شنبه • ۶ خرداد ۱۴۰۳

۱۷ دی القعه ۱۴۴۵ • ۲۶ می ۲۰۲۴

شماره ۲۱۴۹۹

۲۷۱۸

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

۲

چه پوستی؟ چه ضدآفتابی؟

عاقبت بی‌توجهی والدین

به هشدار «ایلان ماسک»

۳

مدیر شبکه اجتماعی ایکس در اظهار نظری جنجالی گفت که از والدین می‌خواهم مقدار استفاده کودکان از شبکه‌های اجتماعی را محدود کنند؛ چرا باید این هشدار را جدی گرفت؟

۳

نتایج جامع‌ترین تحقیق درباره

تاثیرات کم‌خوابی بر احساسات

۴

طنز | سعدیا، جواد نکونام نیاز د هرگز

صبر محمد در پیاده‌روی ار بعین

برایم درس آموز بود



از او می‌پرسم که آیا با محمد به جز ورزشگاه به جاهای دیگر مثل سینما، پارک یا سفر هم رفته‌اند یا نه که می‌گوید: «ما با هم فقط به ورزشگاه می‌رویم و گاهی هم تلفنی صحبت می‌کنیم. البته یک بار هم با

هم به پیاده‌روی ار بعین رفتیم که سفر بسیار خاص و معنوی بود. این سفر یکی از جذاب‌ترین سفرهای ما بود. محمد خیلی دوست داشت در این سفر همراه من باشد. البته حقیقتش این است که بدون او این سفر برای من هم دلچسب نبود بنابراین با هم بار و بنه بستیم و راهی کربلا شدیم. یکی از بهترین خاطرات عمرمان رقم خورد. صبر و همراهی او برای من در این سفر، شگفت‌انگیز و درس‌آموز بود.»

«قلعه‌نویی» برای محمد

جشن تولد گرفت

از عادل می‌پرسم که بازیکنی یا مربی خاصی در فوتبال کشورمان هست که بیشتر از بقیه‌هایشان را داشته باشد که می‌گوید: «بازیکن‌های زیادی بودند که به من و محمد لطف داشتند. یکبار علی‌علیپور آن زمانی که در پرسپولیس بود، از من و محمد دعوت کرد که برای یکی از بازی‌های آسیایی پرسپولیس به ورزشگاه برویم که خیلی خوشحال شدیم. چند وقت پیش هم آقای قلعه‌نویی دعوت‌مان کرد که با



محمد برای تماشای یکی از بازی‌های تیم ملی به ورزشگاه برویم. همان روزها، تولد محمد بود و مربی تیم ملی هم که خیلی نسبت به او لطف دارد، گفته بود که بیاید و برایش در حاشیه تمرین با حضور ملی‌پوشان جشن تولد بگیریم.»

عشق به نساجی

نقطه اشتراک من و محمد شد

او یک خاطره هم از محمد دارد، از روزی که او باعث دلخوری هواداران نساجی شده بود؛ عادل می‌گوید: «طرفدارهای نساجی با تیم خونه به خونه بابل، رقیب هستند. یک بار محمد رفته بود برای تماشای بازی تیم بابل که برایش بین هوادارها حاشیه‌هایی ایجاد شد. اوسعی داشت که هوادارهای این دو تیم را با هم آشتی بدهد که نشد و هوادارهای نساجی از او دلخور شدند که چرا محمد که سمبل نساجی است به ورزشگاه رقیب رفته است. البته این تیم الان منحل شده است. با این

حال و هر چه که بود، عشق به نساجی نقطه اشتراک من و محمد شد و باعث شد تا در سرما و گرما کنار هم باشیم و برای حمایت از تیم شهرمان به ورزشگاه برویم. من و محمد با هم مثل برادر هستیم و همیشه سعی کردیم در کنار هم باشیم.»



قرار است خاطرات من و محمد یک کتاب شود

نساجی گل زد و آن گل برای بقای‌مان در لیگ برتر تاثیر رسیدن گل نساجی در بازی با تراکتور می‌پرسم که می‌گوید: «محمد کلا یک پسر هیجانی است و در فوتبال، احساساتش را بروز می‌دهد. خوشحالی اخیر او در بازی با تراکتور که پربازدید شد، مربوط به دقیقه ۷۵ بود که

همه صحنه‌های بازی‌ها را گزارش می‌کنم

از عادل می‌پرسم که آیا همه ۹۰ دقیقه را برای محمد گزارش می‌کند که این‌طور پاسخ می‌دهد: «من تقریباً همه صحنه‌های بازی را برای محمد گزارش می‌کنم، نه این که فقط موقعیت‌های حساس را برای او توصیف کنم. اما وقتی نساجی گل می‌خورد، گاهی ۲ یا ۳ دقیقه حس و حالش را ندارم و دیگر نمی‌توانم گزارش کنم. البته این طوری هم نیست که تمام ۹۰ دقیقه را برای محمد گزارش کنم ولی نمی‌گذارم او از هیچ موقعیت و اتفاقی در بازی بی‌خبر بماند. تلاش‌های من است. این را هم بگویم که گزارش بازی برای من سخت نیست اما ورودمان به ورزشگاه، گاهی با مشکلات زیادی همراه می‌شود. البته برادران یگان ویژه همراهی می‌کنند اما مشکل اصلی ما به خصوص وقتی ورزشگاه شلوغ است، برای ورود به ورزشگاه و پیدا کردن جای مناسب برای نشستن است.»

محمد به دنبال شغل و دانشجوی روان‌شناسی است

حاضر دانشجوی رشته روان‌شناسی است. البته خیلی درباره مشکلاتش با من صحبت نمی‌کند چون شاید کلاسپری نیست که به دنبال غرزدن باشد اما الان مهم‌ترین دغدغه‌اش، اشتغال است که با توجه به شرایطش، هنوز جایی پیدا نشده است.»

نگاه ترحم‌آمیز به محمد ندارم

از او درباره واکنش مردم به رفاقتش با هوادار نابینای نساجی می‌پرسم که می‌گوید: «مردم خیلی به من لطف دارند. مثلاً می‌گویند معنای دیگری به رفاقت بخشیدم و یک دوست خوب باید مثل من باشد و ... من تمام تلاش‌هایم را می‌کنم تا به عنوان یک رفیق به او نگاه کنم. البته محمد هم همیشه به من لطف دارد. مثلاً به تازگی، عباس قانع برای گزارش یک بازی برای محمد به ورزشگاه آمد که ویدیوهای آن هم در شبکه‌های اجتماعی پربازدید شد. بنده خدا، ۹۰ دقیقه بازی را برای محمد به همان شیوه خاص و پر هیجان و احساسی خودش گزارش کرد ولی محمد بعدش به من گفت که من فقط گزارش‌های تورا دوست دارم.»

حافظه فوتبالی‌اش

شوکه‌ام می‌کند

«حافظه‌اش به طرز عجیبی خیلی خوب و قوی است.» «عادل» با این مقدمه درباره هوادار نابینای نساجی می‌گوید: «مثلاً زمانی که مشغول گزارش بازی برای او هستم، یکهو می‌گوید که مثلاً در فلان بازی دو فصل پیش هم شبیه هم صحنه پیش آمد و فلان بازیکن توپ را گل کرد یا خراب کرد، درست است؟ یا زحواشی و نتایج بازی‌ها، اطلاعات خیلی زیادی در ذهنش باقی می‌ماند و گاهی که به من می‌گوید، شوکه می‌شوم.»

بازی صعود نساجی به

لیگ برتر خاطره انگیزترین بود

از او می‌پرسم که تا امروز چندتا بازی با محمد به ورزشگاه رفتید و خاطره انگیزترین‌شان کدام بازی بوده است که می‌گوید: «عدد دقیقش از دستم دررفته است ولی تقریباً همه بازی‌های خانگی نساجی را به ورزشگاه می‌رویم. برای بازی‌های خارج از خانه، آن‌هایی که شرایطش فراهم باشد به خصوص مثل تهران و ... خودمان را به ورزشگاه می‌رسانیم تا بازی را از نزدیک ببینیم. درباره خاطره انگیزترین بازی هم، رقابت نساجی با راه‌آهن بود که منجر به صعود به لیگ برتر شد و ۶ گل زدیم. آن بازی باید گل زیادی می‌زدیم که آن زمان نکونام، سرمربی ما بود. خیلی پیروزی شیرینی بود. یک جام قهرمانی در حذفی هم با ساکت الهامی بردیم که آن هم فراموش‌نشده‌ای است. هر دوی این بازی‌ها را من و محمد در ورزشگاه بودیم و از نزدیک دیدیم.» او درباره تلخ‌ترین لحظه‌ای که برای محمد گزارش کرده هم می‌گوید: «چند فصل پیش، بازی نساجی با اکسین بود که بازی را باختیم و امید صعودمان به لیگ برتر خیلی کم‌رنگ شد. محمد بعدش با مالک باشگاه تماس گرفت و ناراحتی‌اش را برآورد و مالک هم قول داد که مربی را عوض خواهد کرد که بعدش آقای نکونام به تیم ما آمد و پیروزی‌های‌مان شروع شد.»

به مساوی با استقلال راضی هستیم!

این گفت‌وگو قبل از بازی حساس استقلال و نساجی در هفته بیست و هشتم لیگ برتر انجام شد. جالب است وقتی به عنوان اولین سوال از «عادل» درباره پیش‌بینی‌اش از نتیجه این بازی پرسیدم، به این نکته اشاره کرد که نساجی با مربیگری نکونام بعد از ۲۴ سال به لیگ برتر صعود کرد و بین هواداران نساجی هم محبوب است؛ او ادامه داد: «بازی بسیار سختی خواهد بود ولی خیلی امیدواریم که نساجی به روند خوبش ادامه بدهد و حداقل یک امتیاز از این بازی بگیریم تا خیال‌مان بابت ماندن در لیگ برتر راحت‌تر شود. ما چون هفته پیش استقلال خوزستان را بردیم، شرایطمان بهتر شده است. هر چند ما دوست داریم که این بازی را ببریم ولی به مساوی هم راضی هستیم.»



گزارش بازی‌ها به جز جدایی‌ناپذیر وجودم

تبدیل شده است

از او می‌پرسم که بعد از ۱۰ سال گزارش بازی‌ها برای هوادار نابینای نساجی، از این کار خسته نشده که می‌گوید: «وقتی برای اولین بار با هم در ورزشگاه حاضر شدیم، متوجه شدم محمد شناخت کاملی از زمین بازی دارد و گزارش‌های کوتاه من حضورش در ورزشگاه را برای او جذاب‌تر می‌کند. به همین خاطر تصمیم گرفتم کم‌کم به جای توضیح صرفاً لحظه‌های حساس بازی، کل بازی را برای او گزارش کنم. حالا هم این کار برای من تبدیل به عادت شده و انگار جزء جدایی‌ناپذیر وجود من است. شاید برای‌تان



جالب باشد اما من بعضی اوقات که تنها به ورزشگاه می‌روم، خودم برای خودم بازی را گزارش می‌کنم! این عادت دیگر همیشه همراه من هست حتی اگر محمد در کنار من نباشد.»

در مدرسه با هم آشنا شدیم

از عادل درباره ماجرای آشنایی‌اش با محمد می‌پرسم که می‌گوید: «ما در مدرسه با هم آشنا شدیم. محمد یک برادر دیگر هم دارد که او هم نابیناست و دبیرستان را در مدرسه عادی در سی می‌خواند. محمد یک سال از من بزرگ‌تر است. حالا هم حدود ۱۰ سالی می‌شود که دوست هستیم. او در مدرسه راجع به فوتبال خیلی صحبت می‌کرد و اطلاعات بسیار زیادی هم داشت. خیلی دوست داشت که به ورزشگاه برود اما خب، شرایطش را نداشت. من یک بار به او پیشنهاد دادم که بیا با هم به ورزشگاه برویم و خیلی استقبال کرد. البته آن اوایل مادرش مخالف بود اما بعد از این که چندبار با هم رفتیم و متوجه شد که من مثل چشم‌هایم مراقب محمد هستم، قبول کرد.»

پدر بزرگم نابینا بود

از عادل می‌پرسم که آیا قبل از آشنایی با محمد، اطلاعاتی درباره افراد نابینا و چالش‌های‌شان داشته یا نه که می‌گوید: «بله، من پدر بزرگم نابینا بود و تا حدودی در جریان مشکلات و در درس‌های نابینایی بودم. به همین دلیل هم بود که وقتی به پدرم پیشنهاد دادم که می‌خواهم با محمد به ورزشگاه بروم، استقبال کرد. خودم هم خیلی دوست داشتم که در حد توانم به محمد کمک کنم تا به این آرزویش برسد. اولین بار سال ۹۰ بود که ما با هم به ورزشگاه رفتیم. دقیق یادم است بازی نساجی و فجر سپاسی بود. نساجی در آن بازی موفق شد با نتیجه ۱-۰ پیروز شود.»